

دو کانون زرتشتیان

کانون دانشجویان زرتشتی عصر روز پنجشنبه، ۸۸/۲/۳۱، در بزرگداشت فردوسی شاعر بزرگ و حماسه‌سرای نامی ایران میزبان نویسندگان و محققان بزرگ بود. در این جلسه، نخست پس از قرائت نیایش «گاتاها»، رادمان خورشید، دبیر کانون دانشجویان زرتشتی، سخنانی را ایراد نمود:

«به یاری اهورامزدا، ضمن سپاس از حضور شما به مناسبت گرامی‌داشت فردوسی و ضمن عرض تشکر از بزرگانی چون دکتر جلال خالقی مطلق، که یکی از بزرگترین شاهنامه‌شناسان ایران و جهان‌اند، سرکار خانم توران بهرامی، جناب آقای علی دهباشی و ریاست انجمن زرتشتیان و نماینده زرتشتیان، مراتب سپاس خود را از انجمن دانشجویان که برای برگزاری این برنامه تلاش نمودند، ابراز می‌دارم.»

سپس در ادامه برنامه دکتر رستم خسرویانی، فرنشین انجمن زرتشتیان تهران، نیز چند دقیقه‌ای به صحبت پرداخت:

«به نام یزدان پاک، با درود به روان پاک جانباختگان میهن و وطن و با درود به روان پاک بزرگ مرد تاریخ ادب پارسی، فردوسی بزرگ و با درود بر شما که دعوت ما را پذیرفتید و به این جمع صمیمی آمدید. من کوچکتر از آن هستم که در حضور اساتید بخواهم سخن بگویم، می‌دانیم که فردوسی کسی است که زبان پارسی را زنده کرد و باعث جاودانگی

فرهنگ ما شد. سازمان یونسکو بزرگداشتی را به مناسبت فردوسی در روزهای ۲۵ و ۲۶ اردیبهشت برگزار نمود. همواره برای شاعران ما و کسانی که دستی بر ادب فارسی داشتند، یک روز را فقط به بزرگداشت اختصاص می‌دادند اما برای فردوسی دو روز را بزرگداشت گرفته و این مایه بسی فخر است و مباحثات، و در خاتمه از تمامی عزیزانی که دعوت ما را پذیرفتند کمال تشکر را دارم.

آنگاه آقایان مهرداد خادمی و مهران کاریانی به اجرای قطعاتی موسیقی پرداختند و سپس دبیر محترم کانون دانشجویان ضمن تقدیر ایشان از دکتر جلال خالقی مطلق، معتبرترین مُصَحِّح شاهنامه دارای دکتری شرق‌شناسی از کلن آلمان و استاد دانشگاه هامبورگ، دعوت کرد که از تجربیات خودشان در باب کارِ تصحیح شاهنامه بگویند:

به نام پروردگار بزرگ و یکتا. بانوان و آقایان عزیز، دوستان و هم‌میهمان گرامی. بنده از صمیم قلب از شاعره گرامی بانو توران شهریاری کمال تشکر را دارم که به واسطه ایشان امشب توانستم به این جمع گرم و بسیار مهربان شما راه یابم.

اصولاً زبان و ادبیات فارسی زنجیر هم‌بستگی و پیوستگی همه مردم ایران و اقوام ایرانی است. اما در این حلقه مهر و پیوستگی، فردوسی ما، فردوسی طوسی ما جایگاه ویژه‌ای دارد و حلقه بزرگ این زنجیر به شمار می‌رود. ایران نه تنها در دوران اسلامی بلکه در سرتاسر تاریخش از کهن‌ترین روز تا به امروز به وسیله فردوسی و کتابش همبستگی می‌یابد. کتابی که واقعاً در حکم یک کتابخانه است و دارای پیوستگی است و انسجام. اهمیت شاهنامه در این است که انسان‌ها ملیت و هویت فرهنگی خودشان را در این کتاب باز می‌جویند و می‌یابند ولی ارزش کار هنری فردوسی چیزی است فراتر از این. فردوسی یک شاعر بزرگ جهانی است. برخی شعراً صرفاً شاعر یک مملکت‌اند اما فردوسی شاعر مردم جهان است و شاهنامه او هم هنری است در سطح جهان و افسانه‌هایش فقط متعلق به ما نیست. و به هر زبانی که ترجمه شده باشد مورد علاقه تمام مردم از کودک و بزرگسال بوده و همگان از حکمت و فلسفه این کتاب بهره می‌برند، پس این حق ماست که به او افتخار نمایم.

امشب می‌خواهم به یک نکته کوتاه در شاهنامه اشاره کنم و نیز به اسطوره «جام جم» بپردازم. کسانی که شاهنامه را خوانده و یا نخوانده‌اند بی‌شک چیزهایی درباره «جام جم» شنیده‌اند حال چه در اشعار عرفانی شعرا و چه در سایر اشعار آنها. اسطوره «جام جم»، که در شاهنامه نقل گردیده است، مربوط به بخشی است از داستان «بیژن و منیژه»، آن زمان که افراسیاب بیژن را در چاه می‌اندازد و گرگین با اسب بیژن تنها به ایران می‌آید و



● دکتر جلال خالقی مطلق از اسطوره «جام جنم» در شاهنامه گفت.



● دو تن از جوانان زرتشتی قطعاتی از داستان‌های شاهنامه را اجرا کردند.

پدر او گیو پیش کیخسرو پادشاه وقت رفته و شکایت می کند و کیخسرو در پاسخ به او می گوید صبر کن تا بهار برسد و من در «جام جم» بینم که بیژن کجاست :

بجویش به هر جای و هر سو بکوشا	به گیو آنگهی گفت: بازار هوشا
فرستم همه در خو کارزار	من اکنون ز هر سو سواران هزار
بدین کار هشیار بشتابما	ز بیژن مگر آگهی یابما
تو جای خرد را مگردان تُهی!	و گر دیر یابم ازو آگهی
که بفزاید اندر جهان هوز دین	بمان تا بیاید مه فروردین
به سر بر همی گل فشاندت باد	بدانگه که برگل نشاندت باد
هوا بر گلان زار بخروشدا	زمین چادر سبز بر پوشدا
پرستش که فرمود یزدان ما	به هر مز شود پاک فرمان ما
شوم پیش یزدان، بباشم به پای	بخوادم من آن جام گیتی نمای
بینم بر و بوم هر کِشورا	کجا هفت کشور بدوی اندرا
گزیده جهاندار و پاکان ما	کنم آفرین بر نیاکان ما
به جام این سخن مر مرا روشن ست	بگویم تو را هر کجا بیژن ست

آنگاه کیخسرو این نوید را به گیو می دهد که :

بدان جام فرخ نیاز آمدش	چو نوروز خرم فراز آمدش
ز مهر پسر کو ز گشته نوان	بیامد پر امید دل پهلوان
دلش را به درد اندر آورده دید	چو خسرو رخ گیو پژمرده دید
بدان تا بود پیش یزدان به پای	بیامد، بپوشید رومی قبا
به رخشنده بر چند کرد آفرین	خروشید پیش جهان آفرین
از آهزمن بدگنش داد خواست	ز فریاد گر زور و فریاد خواست
به سر بر نهاد آن خجسته کلاه	خرامان از آنجا بیامد به گاه
بدوی اندرون هفت کشور پدید	یکی جام بر کف نهاده نسید
همه کرده پیدا چه و چون و چند	نشان و نگار سپهر بلند
نگازیده پیکر همه یکسره	ز ماهی به جام اندرون تا بره
چو ناهید و شیدا ز بر و ماه زیر	چو کیوان و بهرام و هرمزد و تیر
بدیدی جهاندار افسونگرا	همه بودنی ها بدوی اندرا
بدید اندرو بودنی کم و بیش	نگه کرد و پس جام بنهاد پیش
که یابد ز بیژن نشانی پدید	به هر هفت کشور همی بنگرید

سوئ کشور گرساران رسید به فرمان یزدان مر او را بدید
 در آن چاه بسته به بند گران به سختی همی مرگ جُست اندر آن
 لذا کیخسرو برای یافتن بیژن «جام گیتی نما» که به «جام جم» معروف است و در
 روایت ما به نام «جام فریدون» و «جام کیخسرو» نیز معروف گشته را می آورد و این جام
 شراب منقوش به تمامی نشانه‌های نجومی همچون ماه و خورشید و ناهید می باشد.
 آنگاه کیخسرو در این جام نگاه کرده و بیژن را می بیند که در سرزمین گرساران در چاهی
 زندانی است. پس از آن رستم در لباس بازرگان به توران رفته و آنگاه با منیژه ملاقات و
 منیژه او را نزد بیژن برده و بیژن نجات می یابد.

حال این سؤال مطرح می شود که این «جام جم» چیست؟

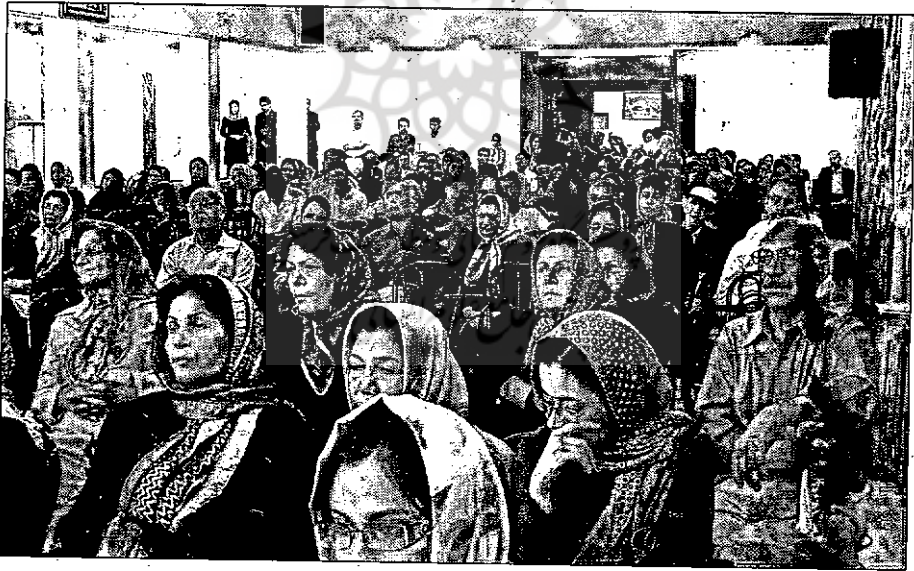
من در تصحیح شاهنامه به این آیات که رسیدم متوجه شدم که ما با یک «جامی»
 سروکار داریم که در مراسم مذهبی به کار می رفته است و در آن شراب مقدس
 می نوشیدند و منقوش به علام و نشانه‌های نجومی است. اوایل این فقط در حد یک
 حدس بود تا اینکه کتاب آثناس تحت عنوان بزم فرزنانگان را که در سده دوم میلادی
 نوشته شده بود و براساس آثار کهن یونانی بوده و در مورد مادها و هخامنشیان و قسمتی
 هم درباره پارت‌ها بود خواندم. این کتاب مشتمل بر پنج جلد بوده و درباره مسائل
 کشورهای قدیم نگاشته شده است و اطلاعاتی درباره ایرانیان و زندگی آنها به ما می دهد
 و به این نتیجه رسیدم که حیف است که ایرانیان از فرهنگ و تاریخی که در این کتاب ذکر
 شده آگاه نباشند، لذا هفتاد نکته از آن را استخراج و به زبان فارسی تحت عنوان ایرانیات
 ترجمه کردم که در انتشارات «دائرة المعارف اسلامی» به چاپ رسید. نام‌های پادشاهانی
 چون کیخسرو و... عناوینی هستند مذهبی که صرفاً در خود ایران معروف اند و رومی‌ها و
 یونانیان شاهان ما را با عناوین دیگری می خواندند و ما همین نام‌ها را از سنگ نبشته‌های
 هخامنشیان استخراج کردیم.

شما اگر در شاهنامه دقت کرده باشید متوجه می شوید که از «جام» زیاد سخن به میان
 آمده است و هر جا که کسی هدیه‌ای برای فردی می آورده در جام می گذارده است مثلاً
 سه جام زعفران، سه جام یاقوت...

«جام» در شاهنامه نقش بزرگی دارد و در کتاب پرورش کوروش به قلم گزنفون می بینیم
 که «جام» در فرهنگ ایرانی با ارزش بوده و وقتی کسی در مسابقه‌ای برنده می شد پادشاه
 به او «جام» می داد. در زمان کوروش هدیه دادن «جام» امری متداول بود. در مدخل ۴۱
 به این نکته اشاره شده که «گندی» (Kondy) نام جامی است در آسیای صغیر و این



● علی دهباشی از اهمیت بازخوانی شاهنامه برای نسل جوان گفت



● صحنه‌ای از مراسم بزرگداشت فردوسی در کانون زرتشتیان

«گندی»، ده «کتیله» گنجایش دارد و هر «کتیله» معادل سه لیتر است. این «گندی» نام ایرانی است که به «جام» می‌دادند و هرمیپ ستاره‌شناس می‌نویسد: «مانند کیهان که از آن نشانه‌های شگفت‌آفرین خدایان در زمین پدیدار شدند...» از این رو با «گندی» که در اتاق پادشاه قرار داشته نوشیدنی‌های نذری پیشکش می‌کردند.

لذا ریشه کلمه «جام جم» هم همین جام «گندی» است که نویسنده این اثر اطلاعاتی در باب آن به ما می‌دهد. در ضمن اکثر اسطوره‌ها دارای اصل تاریخی و آئینی است و واقعیتهای محسوس داشته است. مثلاً داستان «فرود» که بر سر پادشاهی با برادرش اختلاف پیدا می‌کند هم از این نمونه بوده و در مورد «جام جم» هم همین نکته مصداق می‌یابد.

در ادامه، ضمن تقدیر و سپاس از دکتر جلال خالقی مطلق، چیستا جمشیدیان و رامتین شهرت به شاهنامه‌خوانی پرداخته و در ادامه علی دهباشی، سردبیر مجله بخارا برای قرائت سخنرانی در جایگاه قرار گرفت:

«به نام خداوند جان و خرد... نخست قبل از هر چیز برای گرامیداشت یاد و خاطره دکتر امین ریاحی، که از شاهنامه‌پژوهان معاصر بوده و چند روز قبل درگذشت، آدای احترام کرده و خوشبخت و مفتخریم که امروز در این مجلس دکتر جلال خالقی مطلق تشریف دارند.

از این جهت مفتخر و خوشبخت هستیم که ما ایرانیان برای اولین بار به واسطه صمری که دکتر خالقی بر تصحیح متن شاهنامه گذاشتند دارای شاهنامه‌ای شدیم که یک دانشمند ایرانی کار تصحیح آن را به پایان رسانده است. پیش از این ما شاهنامه تصحیحی شوروی‌ها و اروپائیان را باید می‌خواندیم. اما امروز می‌بالیم که بزرگترین اثر زبان فارسی را با تصحیح یک دانشمند ایرانی بخوانیم.

دوم آنکه جهان شاهنامه به پنهان و ژرفای اقیانوسی است که هر کس با ظرفی که با خود همراه دارد می‌تواند از این اقیانوس برداشت کند. فعالیت‌هایی که در عرصه شاهنامه‌پژوهی از سوی دانشمندان ایرانی صورت گرفته ارزش خود را داشته و در بسیاری از موارد در شناخت شاهنامه نیز مدد رسان بوده است.

آنچه که ما از رمز و راز شاهنامه می‌دانیم مدیون دانشمندی است چون: مجتبی مینوی، ملک‌الشعراى بهار، محمد علی فروغی، سید حسن تقی‌زاده، سید محمد محیط طباطبایی، دکتر محمد جعفر محجوب، احسان یارشاطر، جلال‌الدین همایی، دکتر



● توران شهريارئي سروده‌اي را به مناسبت روز فردوسي خواند



● از راست دكتور شهين سراج، دكتور جلال خالقي مطلق، صادق صبا و علي دهياشي

غلامحسین یوسفی، دکتر جلال خالقی مطلق، دکتر اسلامی ندوشن، دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر محمد امین رباحی، شاهرخ مسکوب، جلیل دوستخواه، سعید حمیدیان و ده‌ها محقق و پژوهشگر دیگر.

فهرست بلندبالایی از مقالاتی که درباره شاهنامه و فردوسی منتشر شده را در کتاب‌شناسی فردوسی که به همت والای استاد ایرج افشار تهیه شده می‌توان خواند. اما آنچه که دکتر خالقی در باب رمزگشایی و شناخت نکات پیچیده و مشکلات خواندن شاهنامه نوشته‌اند آغازگر دوره‌ای دیگر در زمینه شاهنامه‌پژوهی است.

تسلط دکتر خالقی از یک سو به شیوه‌های نقد ادبی در دنیای غرب و از سوی دیگر شناخت عمیق و گسترده ایشان از ادبیات فارسی و شاهنامه منجر به نگارش قریب یکصد مقاله در این حوزه گردیده است و بدون اغراق می‌توان گفت بدون مراجعه به این مقالات نمی‌توان وارد عمق جهان حکیم توس شد.

از سویی دیگر، دکتر خالقی و شاهرخ مسکوب نسل جوان ما را با شاهنامه آشنا کردند. بخشی از مقالات بسیار ارزشمند دکتر خالقی در دو مجموعه گل‌رنج‌های کهن و سخن‌های دیرینه تاکنون منتشر گردیده است و امیدواریم دیگر مقالات دکتر خالقی به صورت مجموعه‌هایی زیر نظر ایشان منتشر گردد.

اما یک نکته دیگر می‌گویم و کوتاه می‌کنم و آن اینکه:

از این مجالس که بگذریم ما هنوز کاری که باید درخور فردوسی و شاهنامه باشد انجام نداده‌ایم. آنچه که انجام شده، از نوع ایثار و کوشش‌های فردی امثال دکتر جلال خالقی است که عمر خود را بر سر شناخت شاهنامه و فردوسی گذاشتند.

اما در اینجا اشاره‌ام به سیاست‌گذاری‌های رسمی نظام آموزشی در دوره‌های قبل و بعد از دانشگاه است. صرف چاپ داستان «رستم و اسفندیار» در کتاب‌های درسی کافی نیست. مهم به دست دادن ابزاری است که دانش‌آموز و دانشجو بتواند به عمق اندیشه‌های جهانی فردوسی راه یابد. در پاسخ به این مطلب که چرا فردوسی را استاد جهانی تراژدی در ادبیات می‌شناسند باید گفت که ما هنوز به جز چند مقاله و کتاب، که با نگاه جدید نقد ادبی به شاهنامه می‌نگرند، کاری نکرده‌ایم گویی که شاهنامه از جهت مفهومی برای ما باز نشده است.

اما کار اصلی را دکتر خالقی انجام داده است و آن به دست دادن یک متن اساسی و متع است برای قرائت شاهنامه. اینک زمان آن فرا رسیده است که شاهنامه بازخوانی شود و برای دنیای امروز ما تعریف گردد، کاری که غریب‌ها بیش از یکصد سال است

برای متن‌هایی چون آدیسه و آثار شکسپیر کردند تا این متون دشوار برای جوانان قابل خواندن گردد.

پس، بکشیم متن شاهنامه را با بازخوانی‌های نو برای نسل جوان قابل مطالعه سازیم.»

در ادامه، ضمن تقدیر از علی دهباشی، از بانو توران شهریاری، چکامه‌سرای ایران و تنها زن عضو شورای عالی کانون وکلا، دعوت شد تا شعرشان را قرائت کنند:

تو ای باژ، ای مهد استاد توس تو ای خاک پاک گهرزاد توس

سرافراز باش از بهین زاده‌ات ز فردوسی استاد آزاده‌ات

ابرمرد تاریخ فرزند توست همایون درخت برومند توست

ز آب و ز خاک تو نیرو گرفت به آغوش مهرآوردت خو گرفت...

سپس، دکتر اسفندیار اختیاری، نماینده ایرانیان زرتشتی در مجلس هم مطالبی درباره اهمیت شاهنامه و فردوسی بیان کردند و در خاتمه نیز روایت داستانی «بیژن و منیژه» توسط انجمن دانشجویان زرتشتی اجرا شد.

منتشر شد :

بازخوانی چرند و پرند

ولی‌الله درودیان

انتشارات سوره مهر - تهران - خیابان حافظ - خیابان رشت

کوچه جمشید جم - شماره ۷۲ - تلفن ۶۶۴۶۵۸۴۸